Journal of Research in Psychological Health
June 2019, volume 13, issue 1

Healthy and pathological aspects of parenting among Iranian families: A qualitative research

Valiollah Ramezani[1] , Mohammad S. Abdkhodaee[2] , Zahra Tabibi[3] , Hamid R. Aghamohammadian Sharbaf[4]

1. PhD Student of Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. ramezani_vali@yahoo.com
2. (Corresponding author) Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran abdkhoda@um.ac.ir
3. Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
4. Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Citation: Ramezani V, Abdkhodaee M S, Tabibi Z, Aghamohammadian Sharbaf H R. Healthy and pathological aspects of parenting among Iranian families: A qualitative research. Journal of Research in Psychological Health, 2019; 13 (1): 58-80 [Persian].

Highlights

• The parenting methods of Iranian parents are: rejection; kindness/support; extreme service; inflexibility; optimum structure; chaos; coercion; assertiveness; autonomy support; negligence/passivity.

Keywords
Parenting, Health, Pathology, Intimacy, Structure, Autonomy

Abstract

The aim of this study was to investigate the health and pathological aspects of parenting in Iran. This study has a qualitative design and the method used is Grounded Theory (GT). The population consisted of all Muslim parents with children over 10 years of age, living in Tehran and Karaj during the summer of 2016 to the summer of 2017. The sample contained 44 Muslim parents who were studied through semi-structured interviews. The interviews' data analyzed based on Grounded Theory model and eventually, the result consisted of open, axial and, selective coding, 216 initial codes, 9 concepts and 3 cluster. In the axial analysis of the initial codes, 9 concepts(parenting styles) were extracted: rejection; kindness/support; over protection; inflexibility; optimum structure; chaos; coercion; assertiveness; autonomy support; negligence/passivity. These concepts can be conceptually distinguished although they have common features. In the following analysis and selective coding, 9 concepts are integrated around 3 major axis: intimacy (rejection; kindness/support; over protection); structure/law (inflexibility; optimum structure; chaos); autonomy/freedom of action (coercion; assertiveness; autonomy support; negligence/passivity). Of the three concepts that were organized around each axis, the medium concept draws a balanced and healthy situation and two other concepts represent the pathological aspects of that axis. The results of this study showed that most of the parents involved in the study used a kind of authoritarian parenting style (the combination of over protection, inflexibility and coercion). Healthy parenting (the combination of kindness/support, optimum structure and autonomy support) is in second rank.

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.9] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019]
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

ابعاد سلامت و آسیب‌شناسانه فرزندپروری در خانواده‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی

ولي‌اله رمضاني*[۱] ، محمدسعيد عبدخدايي[۲] ، زهرا طبيبي[۳] ، حميدرضا آقامحمديان شعرباف[۴]

۱. دانشجوي دكتري روان شناسي دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ايران
۲. (نويسنده مسوول) دانشيار گروه روان‌شناسي دانشگاه فردوسي مشهد. مشهد، ايران
۳. دانشيار گروه روان‌شناسي دانشگاه فردوسي مشهد. مشهد، ايران
۴. استاد گروه روان‌شناسي دانشگاه فردوسي مشهد. مشهد، ايران

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است.

تاریخ دریافت
۱۳۹۷/۹/۷

تاریخ پذیرش
۱۳۹۷/۱۲/۲۷

واژگان کلیدی
فرزندپروری، سلامت، آسیب‌شناسی، صمیمیت، ساختار، خودمختاری

یافته‌های اصلی

• روش‌های فرزندپروری والدین ایرانی عبارتند از: طرد؛ محبت/حمایت؛ خدمات افراطی؛ انعطاف‌ناپذیری؛ ساختار متعادل؛ آشفتگی؛ اجبار؛ قاطعیت/حمایت از خودمختاری؛ اهمال/ انفعال

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد سلامت و آسیب‌شناختی فرزندپروری در خانواده های ایرانی بود. طرح این پژوهش کیفی و شیوه مورد استفاده در آن، طرح داده‌بنیاد است. جامعه پژوهش شامل کلیه والدین مسلمان داراي فرزند بالای ده سال ساکن تهران و کرج در مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۵ تا تابستان ۱۳۹۶ بود. نمونه مورد بررسی ۴۴ نفر از والدین مسلمان ایرانی بودند که با مصاحبه نیمه‌ساختار یافته مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، بر اساس نظریه داده بنیاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت، حاصل کدگذاری‌های باز، محوری و نظری، ۲۱۶ کد اولیه، ۹ مفهوم و ۳ محور اصلی بود. در تجزیه و تحلیل محوری کدهای اولیه، ۹ مفهوم(روش‌های فرزندپروری) شامل: طرد کردن، محبت/حمایت، مراقبت افراطی، انعطاف‌ناپذیری، ساختار متعادل، آشفتگی، اجبار، قاطعیت/حمایت از خودمختاری، و اهمال/ انفعال. این مفاهیم را در عین داشتن وجوه مشترک با هم، می‌توان به لحاظ مفهومی از هم متمایز نمود. در ادامه تحلیل و در کدگذاری نظری، ۹ مفهوم، حول ۳ محور اصلی انسجام یافتند که عبارت بودند از: صمیمت(طرد کردن، محبت/ حمایت، مراقبت افراطی)، ساختار/قانون(انعطاف‌ناپذیری، ساختار متعادل، آشفتگی)، خودمختاری/آزادیعمل(اجبار، قاطعیت/حمایت از خودمختاری، اهمال/ انفعال). از سه مفهومی که حول هر محور سازمان می‌یابد، مفهوم میانی، حالتی متعادل و سالم را ترسیم می‌کند و دو مفهوم کرانه‌ای نشان‌دهنده جنبه‌های آسیب‌شناختی آن محور هستند. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشتر والدین مورد مطالعه، از نوعی از سبک استبدادی(ترکیب مراقبت افراطی، انعطاف ناپذیری و اجبار) استفاده می¬کنند و فرزندپروری سالم (ترکیب محبت/حمایت، انعطاف¬پذیری و حمایت از خودمختاری) در رتبه دوم قرار دارد.

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.39.1] Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

مقدمه

امروزه یکي از دغدغه‌هاي جاري والدین و روان‌شناسان رشد، پرداختن به این مساله است که چگونه مي‌توان فرزندانی را پرورش داد که سالم، شاداب و موفق بوده و مطابق با هنجارهاي خانوادگي و اجتماعي رفتار نمایند، به عبارت دیگر سوال بسیاري از والدین و روان‌شناسان این است که براي داشتن فرزندانی با ویژگي‌هاي شخصیتي و اجتماعي سازش‌یافته‌تر، باید از چه روش‌ها یا سبک‌هاي تربیتي استفاده کنیم؟ بر این اساس، مساله فرزندپروري در ادبیات روانشناسي تحولي و مثبت‌نگر از جایگاه ویژه‌اي برخوردار است، چرا که موضوع تربیت فرزند، نخست با سلامت رواني و جسماني اعضاي یک خانواده گره مي‌خورد و از این طریق تمام شئونات زندگي اجتماعي و آینده جوامع را تحت تاثیر قرار مي‌دهد.

در دهه‌هاي اخیر نظریه‌هاي بوم‌شناختي[1] جایگاه مهمي در پژوهش‌هاي نوین خانواده پیدا کرده‌اند، این نظریه‌ها حول این ایده شکل گرفته‌اند که رشد انسان از خلال لایه‌هاي مختلفي از بافت بوم‌شناختي شکل مي‌گیرد (۱). از آنجا که معنا را زمینه فرهنگي فراهم مي‌کند و چون این زمینه‌ها متفاوت هستند، معناي کنش‌هاي خاص مي‌تواند در زمینه‌هاي فرهنگي متفاوت، تفسیرهاي متفاوتي بپذیرد و مردم جوامع گوناگون مي‌توانند، جهان را به شیوه‌هاي گوناگون درک نموده و تفسیر کنند. از سوي دیگر با توجه به این که باورها و ارزش‌هاي هر جامعه یک واقعیت فرهنگي است (۲)، پس طبیعي است که فرهنگ‌هاي مختلف، داراي ارزش‌هاي متفاوتي بوده یا لااقل درک متفاوتي از ارزش‌هاي خاص داشته باشند. روابط بین کودکان و والدین و نحوه پرورش کودکان نیز که در ابتدا پدیده‌اي طبیعي و نابسته به فرهنگ به نظر مي‌رسد، در واقع به واسطه شیوه‌هاي متنوع فرهنگي شکل مي‌گیرد. فرزندپروري از یک سو بر اغلب ابعاد زندگي اجتماعي افراد تاثیرگذار است و از سوي دیگر از فرهنگ حاکم بر جوامع تاثیر مي‌پذیرد.

یکي از نخستین نظریه‌پردازاني که موضوع فرزندپروري را در روان‌شناسي مورد بررسي و مطالعه قرار داد، بامریند[2] بود که سبک فرزندپروري را به عنوان روش‌هاي مختلف والدین براي کنترل و اجتماعي کردن فرزندان تعریف مي‌کند. بر اساس نظریه بامریند، سبک‌هاي فرزندپروري بر اساس دو مولفه اصلي شکل مي‌گیرند: ۱- پاسخدهي[3] یا حمایت: میزان حساس بودن، گرمي و حمایت‌کنندگي والدین؛ ۲- کنترل: انتظارات والدین از رفتارهاي فرزندان و کنترل رفتارهاي آنان به وسیله اعمال قوانین انضباطي(۳). بامریند مطالعات خود را در بین خانواده‌هاي طبقه متوسط آمریکایي انگلیسي‌تبار انجام داد و مطالعات اولیه وي یک سبک سالم و دو سبک آسیب‌زا را مشخص کرد: اقتدار منطقي[4]، استبدادي[5] و سهل‌گیرانه[6]. نتیجه پژوهش‌هاي بامریند نشان داد که والدین مقتدر با روابط حمایتي گرم و صمیمانه از یک‌سو و محدودیت‌ها و مرزهاي تعریف شده از سوي دیگر، بیشترین شایستگي را در فرزندان پیش‌بیني مي‌کنند و برعکس، والدین مستبد و سهل‌گیر، کودکاني با شایستگي اندک تربیت مي‌کنند(۴).

پژوهش‌هاي بعدي فرزندپروري، به ویژه پژوهش‌هاي بین فرهنگي، با مطرح کردن سوالاتي نظریه بامریند را در بافت فرهنگي مورد بررسي قرار دادند؛ ۱) آیا برداشت و تعریف والدین از مولفه‌هاي کنترل و حمایت در فرهنگ‌هاي مختلف یکسان

1. ecological theories

2. Baumrind
3. responsiveness
4. authoritative parenting style
5. authoritarian parenting style
6. permissive parenting style

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

است؟ ۲)آیا شیوع سبک‌هاي ذکر شده توسط بامریند در همه فرهنگ‌ها یکسان بوده و همان پیامدها را دارند؟ پژوهش‌هاي قابل توجهي (۵؛ ۶؛ ۷) نشان داده است که سامانه باورهاي فرهنگي والدین[1] و به تبع آن اهداف تربیتي و سبک‌هاي فرزندپروري آنها با توجه به تفاوت‌هاي بین فرهنگي و درون‌فرهنگي در سامانه معنایي، از فرهنگي به فرهنگ دیگر متفاوت مي‌شود. ادبیات پژوهشي (۸؛ ۷؛ ۹؛ ۱) حاکي از این است که علت تفاوت در سبک‌هاي فرزندپروري بین جوامع و گروه‌هاي قومي مختلف، به تفاوت‌هاي فرهنگي در ارزش‌هاي تربیتي و معناي مولفه‌هاي اصلي فرزندپروري (پاسخدهي، کنترل و تفویض اختیار) برمي‌گردد؛ به عبارت دیگر مولفه‌هاي خاص، معاني متفاوتي براي فرهنگ‌هاي مختلف دارند، به عنوان مثال والدین مهاجر آسیایي‌آمریکایي اعتقاد دارند که کودکان نیازمند راهنمایي‌هاي بیشتري براي رشد مطلوبشان هستند، بنابراین از نظر این والدین کنترل رفتار بچه‌ها، نه تنها ضروري است، بلکه خود نوعي مسوولیت مهم براي والدین به شمار مي‌رود، بنابراین طبیعي است که این والدین، بیشتر از والدین اروپایي‌آمریکایي، با استفاده از کنترل به فرزندپروري بپردازند (۱). والدین آسیایي‌آمریکایي عموماً، به ویژه پدران، به صورت گشاده‌اي به ابراز هیجان خود نمي‌پردازند، یعني فرزندانشان از حمایتهای ابرازی برخوردار نیستند، به جاي آن، آنها عشق و احساسات خود را در قالب حمایت‌هاي ابزاري (مانند برآورده ساختن کوچکترین نیازها، توجه ویژه به مسایل آموزشي) و فداکاري نشان مي‌دهند (۹). پژوهش‌هایي نشان داده‌اند که که نوجوانان چیني‌آمریکایي، در مقایسه با نوجوانان اروپایي‌آمریکایي، سطوح پایین‌تري از گرمي و محبت والدین را گزارش کردند. آنها معتقدند که

1. parent's Cultural belief systems

این تفاوت ریشه در آموزه‌هاي کنفوسیوس در مورد خودکنترلي، بازداري هیجاني و حفظ فاصله عاطفي در روابط دارد(۷).

دومنک‌رودریگز، دونوویچ و کراولي مفهوم‌سازي دو بعدي(پاسخدهي و کنترل) بامریند از سبک‌هاي فرزندپروري را مورد انتقاد قرار داده و معتقدند که ابعاد فرزندپروري مبتني بر سه مولفه پاسخدهي، کنترل و تفویض اختیار[2]، درک بهتري از ویژگي‌هاي[3] فرزندپروري به دست مي‌دهد. بر همین اساس، آنها دامنه‌اي از هشت سبک فرزندپروري (اقتدار منطقي، استبدادی، سهل‌گیرانه، اغماض‌کننده ۱ و ۲، سرد، وابسته‌ساز و محافظ) را بر اساس ترکیب ابعاد سه‌گانه در بین خانواده‌هاي مهاجر اسپانیایي زبان از آمریکاي لاتین[4]، مورد بررسي قرار دادند. دو سبک اقتدار منطقي و محافظ جنبه‌هاي سالم و مابقي سبک‌ها جنبه‌هاي آسیب‌شناسانه را نشان می‌دهند. آنها همچنین نشان دادند که میزان شیوع این سبک‌ها در گروه نمونه متفاوت است از آنچه که بامریند در بررسي‌هاي خود گزارش داده است، در واقع تنها ۳۳ درصد از نمونه آنها در سبک‌هاي کلاسیک بامریند قرار گرفتند، در حالي که ۶۱ درصد از والدین در طبقه محافظ[5] جاي گرفتند(۱۰).

اسکینر، جانسون و اسنایدر با طرح این موضوع که اغلب رویکردهاي سنتي و جاری به فرزندپروري، مولفه‌هاي فرزندپروري را بر روي سه پیوستار گرمي- طرد؛ ساخت‌دار- آشفته؛ حمایت از خودمختاري- اجبار ترسیم‌کرده‌اند، به طرح این سوال پرداختند که آیا فرزندپروری را میتوان به خوبی توسط جنبه‌های دو قطبی یا پیوستاری (مانند گرمی در برابر طرد) تعریف نمود و یا جنبههای چندگانه (تک

2. autonomy granting
3. characteristics
4. Spanish speaking Latino families
5. protective

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

قطبی) (مانند گرمی و طرد) توصیف بهتری از این مفهوم به دست می‌دهند؟ به نظر آنان، اگرچه الگوهای دو قطبی ساده‌تر و قابل درک‌تر میباشند، اما، در صورتی که ثابت شود، سازهها چندبعدی هستند، به این معنی خواهد بود که برخی از پیچیدگیهای فرزندپروری و یا سبکهای فرزندپروری در مفهومپردازیها و ارزیابیهای سنتی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بر این اساس، آن‌ها در پژوهش خود، بر شش ویژگی اصلی فرزندپروری(گرمی، طرد، ساخت، بی‌نظمی، اجبار و حمایت از خودمختاری) تمرکز داشته و با استفاده از یک الگوی انگیزشی آنها را تلفیق و سازماندهی کرده و این شش ویژگی را به عنوان پایه و اساس پرسشنامهی فرزندپروری خود، قرار داده‌اند(۱۱).

از آنجا که فرهنگ‌های مختلف انتظارهاي متفاوتي در مورد رفتارهاي اعضايشان دارند (۱۲) و از سوي ديگر با توجه به ماهيت پوياي فرهنگ‌ها در طول زمان (۱۳)، ممکن است برخي از نظريه‌ها که در فرهنگ خاصي مطرح شده‌اند، از يک‌سو قابليت کاربرد کامل براي ساير فرهنگ‌ها را نداشته باشند و از سوي ديگر، مناسب مقتضيات و ملزومات زمان حال نبوده و به عبارت ديگر نياز به بازنگري و به‌روز شدن داشته باشند. با وجود تغيير و تحولاتی که در نظریه‌های فرزندپروری در طول زمان و بافت‌های فرهنگی مختلف صورت گرفته است، در ادبیات پژوهشی ایران توجه چندانی به این موضوع نشده و بسیاری از پژوهش‌های جدید فرزندپروری هم با تکیه بر نظریه اولیه بامریند و با استفاده از مقیاس فرزندپروري بامريند طراحي و اجرا می‌شوند(۱۴؛ ۱۵؛ ۱۶). این در حالی است که پژوهش‌های معدودی که در میان مهاجران ایرانی صورت گرفته، حاکی از تفاوت‌های فرهنگی در زمینه فرزندپروری است، به عنوان مثال کارلسون و هاروود نشان داده‌اند که بر خلاف خانواده‌های آمریکایی(نمونه مورد بررسی بامریند)، یک سبک تربيتي توام با کنترل شدید به همراه روابط هيجاني گرم و پاسخگو بيشترين بازده مثبت را در بين خانواده‌هاي مهاجر ايراني، آفريقايي، چيني، کره‌اي و پورتريکويي داشته است(۴). در همین زمینه، پژوهشی نشان داد که دستورالعمل‌هاي مستقيم و کنترل والدين ايراني، مي‌توانند پيامدهاي اجتماعي و يادگيري مثبتي براي فرزندان آنان داشته باشد(۴). به نظر می‌رسد، در فرهنگي که فرمانبرداري، ادب و احترام و انجام نقش‌هاي خانوادگي مهم تلقي گردد، رفتارهاي کودک به دقت زير نظر گرفته مي‌شود(۴).

مرور پژوهش‌های فوق حاکی از نوعی کاستی و خلاء در زمینه پژوهش‌های فرزندپروری در بافت فرهنگ ایران است؛ نخست اینکه اغلب پژوهشهای فرزندپروری در ایران، به دنبال ارائه الگوی بومی فرزندپروری نبوده‌اند، بلکه فرزندپروری به عنوان یکی از متغیرهای پژوهش آنها مورد بررسی قرار گرفته و تنها دستاورد آنها مستندسازی برای نظریه‌های اصلی، در فرهنگ ایران بوده است؛ و نکته دوم و بسیار مهم این است که قریب به اتفاق پژوهشهای این حوزه در قالب بررسیهای کمّی انجام شده است، در حالی که برای بررسی و اکتشاف مولفه‌های فرهنگی فرزندپروری، صورت‌بندی یک پژوهش کیفی ضروری است، یک روش استقرایی[1] و اکتشافی[2] که به پژوهشگر امکان می دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد بجای استفاده از نظریه‌های برجسته[3]، خود به تدوین یک نظریه[4] اقدام کند. این نظریه جدید نه بر مبنای نظر شخصی پژوهشگر که در واقع بر اساس داده‌های گردآوری شده از محیط واقعی و در شرایط واقعی

1. inductive
2. exploratory
3. Grand Theories
4. theory development

Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019
[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.8]
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

تدوین می‌شود. به بیان دیگر، روش داده‌بنیاد، روشی است برای شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه، موضوع یا موضوع‌هایی که قبلاً پژوهش جامعی در مورد آن انجام نشده و دانش ما در آن زمینه محدود است و یا نیازمند اتخاذ نگاهی نو به آن هستیم. در بین پژوهشهای کیفی انجام شده در ایران، تنها یک پژوهش، به بررسی سبک فرزندپروری موفق پرداخته و ابعاد دیگر فرزندپروری را در نظر نگرفته است(۱۷). بنابراین طراحي و اجراي پژوهش‌هايي از اين دست مي‌توانند شكاف‌هاي نظري، اندازه‌گيري و كاربردي الگوهاي رايج را پر كرده و الگويي متناسب با فرهنگ بومي ما را ارايه دهد. استخراج مولفه‌هاي فرهنگي فرزندپروري والدين ايراني حداقل به سه دليل از اهميت بسياري برخوردار است: ۱) سنجش دقيق‌تر رفتارهاي والديني را تسهيل كرده و ميسر مي‌سازد؛ ۲) امكان بررسي پيامدهاي مثبت و منفي رفتارهاي والديني ويژه فرهنگ ما را فراهم مي‌كند؛ و ۳) مسير روشن‌تري را در جهت آموزش مهارت‌هاي فرزندپروري مبتني بر فرهنگ ديني و ملي ايرانيان ترسيم مي‌كند. بر اين اساس در پژوهش حاضر، با طراحي يک پژوهش کيفی به استخراج مولفه‌ها و جنبه‌های سلامت و آسیب‌زای فرزندپروري در فرهنگ والدين مسلمان ايراني پرداخته شد.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضر، از حيث هدف جزو مطالعات بنيادي، از نظر ماهيت داده‌هاي جمع‌آوري شده جزو مطالعات كيفي و شيوه مورد استفاده در آن، نظريه زمينه‌اي يا داده‌بنياد است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش شامل کلیه والدین داراي فرزند نوجوان ساكن تهران و كرج در مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۵ تا تابستان ۱۳۹۶ است. تهران و كرج به اين دليل به عنوان مكان اجراي پژوهش انتخاب شد كه مي‌توان آن‌ها را به نوعي ايران كوچک تعبير نمود، چرا كه طيف وسيعي از اقوام و خرده‌فرهنگ‌هاي ايران در اين دو شهر حضور دارند.

انتخاب نمونه در روش کیفی به ندرت احتمالي يا تصادفي است، در عوض تمامي آنها هدفمند[1] و مبتني بر مقصود پژوهش صورت مي‌گيرد (۱۸). روش نمونهگیری هدفمند به معنای انتخاب هدفدار نمونههای پژوهش جهت دسترسی به اطلاعات مورد نظر در زمینه خاص است، که امکان حداکثری درباره پاسخ سوالات مورد نظر را فراهم میسازند (۱۹). در پژوهش حاضر نمونه‌اي كه اطلاعات حداكثري را در اختيار پژوهشگر قرار مي‌داد، والديني بودند كه داراي فرزند نوجوان باشند. علاوه بر اين در انتخاب نمونه مورد نظر تنوع زبان‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها نيز لحاظ شد، به عبارت ديگر والديني از قوميت‌هاي مختلف ايراني در نمونه حضور داشتند. به عبارت ديگر روش نمونه‌گيري پژوهش حاضر نمونه‌گيري هدفمند با تغييرات بيشينه[2] است.

در خصوص حجم نمونه، بر اساس اصل اشباع اقدام شد؛ اشباع نظري زماني اتفاق مي‌افتد كه در رابطه با مقوله‌هاي مورد نظر، هيچ داده جديد و مرتبطي يافت نشود و چنين جلوه كند كه رابطه بين مقوله‌ها به خوبي تثبيت شده است(۲۰). در پژوهش حاضر در کدگذاری اولیه اهداف و ارزش‌های فرزندپروري والدين ايراني، اشباع در مصاحبه ۴۲ حاصل شد ولی مصاحبه‌ها تا مصاحبه ۴۴ ادامه یافت.

1. purposeful or purposive
2. maximum variation

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.8]
Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019

ابزار و روش گردآوري اطلاعات

روش گردآوري اطلاعات، یک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته از والدین بود. مصاحبه‌ها به صورت صوتي، ضبط شده و براي کدگذاري روي کاغذ پیاده شد. پس از حصول اشباع نظری دادهها در فرایند مصاحبه، با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از شرکت‌کننده‌گان در پژوهش به شناسایی کدهاي اولیه، زیر مقوله‌ها یا مفاهیم و مقوله(شاخص) اصلی پرداخته شد. بر اساس شیوه‌نامه استراوس و کوربین، ۱) پژوهشگر مصاحبه نیمه ساختار یافته‌اي را متناسب با اهداف پژوهش طراحي نمود. در این مصاحبه، سوال‌ها در یک راهنماي مصاحبه، با تمرکز بر مسایلي که باید پوشش داده شود و مسیرهایي که باید پیگیري شود، گنجانده شدند. ۲) پس از اتمام هر مصاحبه، پژوهشگر محتواي مصاحبه را روي کاغذ پیاده کرده و شروع به «کدگذاري باز» مواد نمود. ۳) از طریق فن «کدگذاري محوري»، ارتباط بین مقوله‌ها کشف گردید. کدگذاري محوري به فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌هاي فرعي اطلاق مي‌شود. ۴) کدکذاري نظری: یکپارچه کردن و پالایش نظریه. ۵) نوشتن تحلیل(۲۰).

مصاحبه اول پژوهش حاضر بر اساس ادبیات پژوهش در خصوص سه مولفه محبت-طرد، ساختار- آشفتگی، حمایت از خودمختاری- اجبار با چند سوال باز پاسخ برای هر محور آغاز شد: محبت خود را چگونه به فرزندتان ابراز می‌کنید؟ در خصوص قوانین خانواده‌تان صحبت کنید. فرزند خود را چگونه تنبیه می‌کنید؟ مثالی بزنید از زمانی که خواسته شما در تعارض با خواسته فرزندتان قرار گرفته، چه کردید؟ لازم به ذکر است که قبل از اجرای مصاحبه، در خصوص اهداف پژوهش، توضیحاتی به والدین ارایه شده و رضایت آنها برای ضبط صدا و استفاده از جملات آنان در راستای اهداف پژوهش با رعایت اصول رازداری جلب می‌گردید.

یافته‌ها

الف: استخراج کدها/ویژگی‌های اولیه

در کدگذاری اولیه روش‌های فرزندپروری والدین ایرانی، اشباع در مصاحبه ۴۲ حاصل شد ولی تا مصاحبه ۴۴ ادامه یافت. از ۷ نفر از فرزندان هم به عنوان بخش مکمل پژوهش مصاحبه صورت گرفت. حاصل کدگذاری باز مصاحبه‌ها، استخراج ۲۱۴ کد اولیه بود که در ادامه به تفکیک مفاهیم ارایه خواهد شد.

ب: توصیف مفاهیم، مقوله‌ها و طبقات

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، پس از تحلیل تفصیلی، بر اساس تشابه معنایی، به سطوح انتزاعی‌تری ارتقاء یافتند و در نهایت، ۲۱۶ کد اولیه، در ۹ مفهوم و ۳ مقوله کلی سازمان یافتند. جدول ۱ جزئیات مفاهیم و مقولات را نشان می‌دهد. در تجزیه و تحلیل محوری کدهای اولیه، متوجه شدیم که ۹ مفهوم کلی(طرد؛ محبت/ حمایت؛ خدمات افراطی؛ اجبار؛ قاطعیت/ حمایت از خودمختاری؛ اهمال/ انفعال؛ انعطاف‌ناپذیری؛ ساختار متعادل؛ آشفتگی) را می‌توان از داده‌ها یا کدهای اولیه انتزاع نمود که عمدتا روش‌های مستقیم فرزندپروری را نشان می‌دهند، این مفاهیم را در عین داشتن وجوه مشترک با هم، می‌توان به لحاظ مفهومی از هم متمایز نمود. در ادامه تحلیل و در کدگذاری نظری(گزینشی) دیدیم که این ۹ مفهوم کلی را می‌توان حول ۳ محور کلان(صمیمت؛ ساختار/ قانون؛ خودمختاری/آزادی عمل) انسجام بخشید، به صورتی که حول هر محور، سه مفهوم گرد هم می‌آیند که دو مفهوم نشان‌دهنده جنبه‌های آسیب‌شناختی آن محور بوده و یک مفهوم، حالتی متعادل و سالم را ترسیم می‌کند؛ به عنوان مثال

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.9] Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

طرد، محبت/حمایت و خدمات افراطی حول محور صمیمیت جمع می‌شوند، طرد و خدمات افراطی، صمیمیت را مختل می‌کنند و محبت/ حمایت بهینه حالتی متعادل است که رابطه صمیمانه را به صورتی مثبت تحت تاثیر قرار می‌دهد. انعطاف‌ناپذیری در وضع قوانین، ساختار متعادل و منعطف و آشفتگی مفاهیمی بودند که حول محوری به نام ساختار/ قانون قرار گرفتند، در اینجا هم انعطاف‌ناپذیری و آشفتگی دو بعد آسیب‌زا در فرزندپروری بوده و ساختار منعطف، حالت متعادلی است که بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، به درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها کمک کرده و در تحول احساس ارزشمندی و شایستگی کودکان موثر است. سه مفهوم کلی اجبار، قاطعیت و اهمال/انفعال حول محوری به نام خودمختاری/آزادی عمل، منسجم شدند؛ در اینجا نیز اجبار و اهمال دو بعدی هستند که فرایند تحول خودمختاری را مختل می‌نمایند و حمایت از خودمختاری/ قاطعیت نقطه تعادلی است که به تحول بهینه خودمختاری در فرزندان کمک می‌کند.

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.8]
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]
Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019

جدول ۱. خلاصه محورهای اصلی و کدهای مربوط به فرزندپروری والدین ایرانی

مضمون	محورهای اصلی	مفهوم
روش‌های فرزندپروری	**محور صمیمیت:** عمدتا به براورده‌کردن یا ناکام گذاشتن نیاز به محبت و ارتباط می‌پردازد.	**طرد:** شامل سردی عاطفی، رفتارهای خصمانه و پرخاشگرانه است. طرد همچنین شامل انتقال آشکار احساسات منفی به فرزند، مانند انتقاد، تمسخر، و عدم پذیرش است.
		محبت/ حمایت: گرمی و پذیرش نیز نامیده می‌شود و به ابراز عاطفه، عشق، قدردانی، محبت و توجه مربوط بوده و دسترس‌پذیری عاطفی، حمایت، و مراقبت واقعی و حقیقی را شامل می‌شود
		خدمات افراطی: مسئولیت‌پذیری، خدمات و ارضای افراطی نیازهای فرزندان، ندادن مسئولیت به فرزندان، جبران محرومیت‌های گذشته خود برای فرزندان بدون توجه به علایق شخصی آنها.
	محور ساختار/ قانون: این محور به انتظاراتی که والدین از فرزندان خود دارند و چهارچوب‌ها و قوانینی که برای آنها وضع می‌کنند، می‌پردازد.	**انعطاف‌ناپذیری/ خشکی:** باورهای کمالگرایانه نامنعطف، قوانین سفت و سخت، توقعات بالا، انتظار اطاعت بی‌چون و چرا و عدم تناسب جرم و جزا.
		ساختار متعادل/ انعطاف: تعیین انتظارات و توقعات مشخص والدین در مورد رفتارهای فرزندان؛ تعیین حد و مرزهای صحیح و نسبتا با ثبات و متناسب با سن و جنسیت فرزندان؛ آموزش صحیح قوانین و پاسخگویی به سوالات و ابهامات فرزندان؛ انتقادپذیری و انعطاف.
		آشفتگی/ بی‌نظمی: رفتارهای فرزندپروری ناپایدار، دمدمی مزاج، غیر قابل پیش‌بینی، و دلبخواهی و یا رفتارهایی که به طور کل در پیمودن مسیرهای منتهی به هدف اخلال ایجاد نموده و یا این مسیرها را مبهم می‌سازد.
	محور خودمختاری/ آزادی: عمدتا به نحوه اجرا و اعمال چهارچوب‌ها و قوانینی وضع شده، می‌پردازد.	**اجبار:** تلاش شدید والدین برای هدایت اجباری فرزندان در مسیرهای دلخواه خود(مسیرهایی که باور دارند حتما به نفع فرزندان است).
		حمایت از خودمختاری/ قاطعیت: نشانگر تشویق کودک به اکتشاف، بررسی، و بیان دیدگاه‌ها، اهداف، و ترجیحات خود به صورت فعال است. از سوی دیگر قاطعیت و انعطاف توامان در اجرای قوانین، نظارت متعادل و مستمر بر فرزند و محرومیت و تنبیه بهینه را شامل می‌شود.
		اهمال/ انفعال: حالتی نسبتا فراگیر و با ثبات است از بی‌تفاوتی، مسئولیت‌ناپذیری، کناره‌گیری و فقدان نظارت یا نظارت ناکافی که در برابر اجبار قرار می‌گیرد.

۱- محور صمیمیت

محور صمیمت عمدتا به براورده‌کردن یا ناکام گذاشتن نیاز به محبت و ارتباط می‌پردازد. مبتنی بر داده‌های به دست آمده، ۳ مقوله طرد، محبت/حمایت و خدمات افراطی ذیل محور صمیمیت قرار گرفتند.

الف: طرد: جدول ۲ ویژگی‌های مربوط به مولفه طرد را نشان‌می‌دهد:

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.9] Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

جدول ۲. کدهای اولیه و ویژگی‌های مقوله طرد

ارزیابی منفی	مِنّت گذاشتن	مواخذه و سرزنش در جمع	ایجاد نگرانی و تشویش در فرزند
عدم تایید	محرومیت شدید	آزادی بدون حمایت: راندن	تبعیض
انتظار بدون قدردانی	تنبیه شدید	محبت و حمایت مشروط	عدم اختصاص وقت برای فرزند
اجتناب	داد زدن	عمل‌زدایی / معذرت رفتاری	قهر طولانی
تحریم کامل	فحش و ناسزا	پرت کردن اشیا	قوی باش، اما نه در برابر من
ایرادگیری / غر زدن	توهین / تحقیر	تنبیه بدنی شدید	کینه/ عدم بخشش
سرزنش مداوم	تمسخر	تنبیه بدون توضیح	عدم توجه به احساسات منفی فرزند
بی اعتمادی	تهدید شدید	سردی	همیشه مخالف
مقایسه منفی	طعنه / کنایه	نصیحت افراطی	حمله به جای پذیرش

در اینجا به برخی از جملات والدین که از مصادیق طرد به شمار می‌رود، توجه نمایید: " حقیقتش من خیلی بلد نیستم این کار رو (قربون صدقه رفتن و نوازش)، از جانب من صورت نمیگیره(مادر ۳۹ ساله)". پسر بیست ساله‌ای می‌گوید: "مامانم وقتی عصبانی میشه منو به منفورترین آدمی که دوسش نداره و من هم دوسش ندارم تشبیه میکنه". "می‌گم به فلانی نگاه کن(لحن تند)، خجالت بکش (پدر ۴۵ ساله). مادر ۳۸ ساله‌ای که ، سه پسر ۱۷، ۱۴ و ۷ ساله دارد چنین می‌گوید: اگر خونه رو بریزن من عصبانی میشم جاشون تو حمومه، به هوای اینکه من عصبانی نشم این‌ها رو هیچوقت انجام نمیدن. صادقانه بگم وقتی عصبانی میشم خیلی بد عصبانی میشم، خیلی هم میخوام خودمو کنترل کنم ولی بد عصبانی میشم، خیلی فریاد میزنم، ناراحتم از این موضوع(پدر ۴۳ ساله). "عصبانیت، حتی لازم شده لیوان رو پرت کنم طرفشون. چیزی که دستم بوده گوشی موبایل پرت کردم طرفشون"(مادر ۴۹ ساله). خیلی سخت میبخشم (مادر ۳۶ ساله). باهاش قهر می‌کنم، شش ماه، یک سال هم شده(مادر ۵۱ ساله).

ب: مقوله محبت/حمایت: جدول ۳ ویژگی‌های مربوط به مولفه محبت/حمایت را نشان‌می‌دهد:

جدول ۳. کدهای اولیه و ویژگی‌های مقوله محبت/حمایت

شناخت فرزند	حمایت مالی	دیدن مثبت و منفی با هم	فراهم کردن خواسته‌های معقول
احترام به فرزند	آموزش مهارت‌ها	تحمل منفی با یادآوری مثبت	ملایمت/ پرهیز از حرف زشت
ارضا/ محرومیت بهینه	فراهم کردن امکانات	تلنگر، ترغیب، انگیزه دادن	خویشتن‌داری در برابر تنبیه بدنی
دوست شدن با فرزند	خرید هدیه	انطباق با زمان بچه‌ها	خونسردی و آرامش در حوادث
شوخی / بازی کردن	عذرخواهی	تقویت متناسب با علاقه فرزند	ترجیح مذاکره به داد و بیداد
صبر و حوصله	انتقادپذیری	همدلی کردن با فرزند	تنظیم رفتار و احساس
حمایت در حد توان	بوسیدن	فرصت دادن برای اصلاح	گوش دادن بدون قضاوت و سرزنش
کلمات محبت‌آمیز	بغل کردن	وفای به عهد	توجه به احساسات منفی فرزند
حمایت عاطفی	نوازش کردن	مراقبت بهینه	ایجاد علاقمندی به دین
خدمت بدون منت	محرم راز بودن	بخشیدن	اعتماد به فرزند
فداکاری	پذیرش	کوتاه آمدن به جا	بیان احساسات به فرزند
نصیحت دوستانه	تنظیم اضطراب	زود راضی شدن	توجه به تفریح فرزندان
پشیمانی/ اصلاح رفتار	قدردانی	تشویق / تحسین بهینه	اختصاص وقت برای فرزند
دلگرمی	----	-----	------

[Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.38.1]
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

برخی از جملات والدین که از مصادیق محبت به شمار می‌رود: " من چون آدم برون گرایی هستم و شجاعت گفتار محبت آمیز رو خیلی دارم مثلاً از کلمات خیلی استفاده میکنم، عزیزم، جانم، خانومم، خوشگلم، مهربونم، رشیدم این کلمات رو خیلی استفاده میکنم"(مادر ۴۹ ساله). "تا حالا رو هیچکدومشون دست بلند نکردم، یا فحش بدی بهشون ندادم" (مادر ۳۸ ساله). "این حس رو به هرسه تاشون دادم که من همیشه کنارتون هستم، کنار هر مشکلی که داشته باشین"(مادر ۴۰ ساله). "بیشتر تایمم رو با بچه‌هام می‌گذرونم خیاطی رو خیلی گستردش نکردم، ظهر میرم خونه درکنارشونم، بیشتر، تایم‌هایی که بچه‌ها نیستن من بیرونم" (مادر ۳۷ ساله). "وقتی عصبیه یا غمگینه، بهش میگم اشکالی نداره خیلی خوبه که تو میخوای احساست رو به من نشون بدی، بیا با هم حرف بزنیم"(پدر ۴۴ ساله). "وقتی پسرم استرس میگیره، مثلا امتحان داره سعی میکنم باهاش صحبت کنم، آرومش کنم، گل گاوزبون دم میکنم براش و از خاطرات امتحانم بهش میگم"(مادر ۳۹ ساله).

ج: مقوله خدمات مراقبتی افراطی: جدول ۴ ویژگی‌های مربوط به مقوله خدمات افراطی را نشا ن می د هد :

جدول ۴. کدهای اولیه و ویژگی‌های مفهوم خدمات افراطی

کوتاه آمدن افراطی	خدمات افراطی	سرمایه گذاری زیاد برای تحصیلات
دلسوزی افراطی	مسئولیت‌پذیری افراطی	ندادن مسئولیت به فرزند
ارضای افراطی	جبران کمبودهای خود برای فرزندان	گرفتن جایزه بزرگ

همینکه خیلی دوستش داشتیم هر چی میخواست براش تهیه می‌کردیم، شایان هنوز دنیا نیومده بود ما براش کامپیوتر خریدیم، اون موقع لپ تاپ نبود، اسباب بازی میخواست ما می‌رفتیم از کیش و دبی می‌خریدیم براش یعنی چیزیکه میخواست می‌رفتیم از اونجا می‌خریدیم براش. چون از اول هرچی می‌خواسته براش تهیه کردیم بد عادت شده (مادر ۳۸ ساله). می‌دونم آقای دکتر که دارم به پسرم محبت افراطی می‌کنم، هر چی لب تر کنه براش مهیا می‌کنم، دوستم میگه اینجوری خرابش می‌کنی اما خودم انقد محرومیت کشیدم که نمی‌خوام پسرم مثل من بشه(پدر ۴۳ ساله). یک سره دارم اتاقش رو جمع می‌کنم الان میاد از مدرسه پیراهنش شلوارش یک طرف افتاده، مرتب نمی‌کنه، غذاشو میخوره خوابش میبره، من خودم جمع می‌کنم(مادر ۴۲ ساله). من الان سعی میکنم اون مسائلی که توی زندگی شخصیم کم و کسر داشتم برای بچه هام انجامش بدم (مادر ۴۰ ساله). ارایه خدمات افراطی والدین را در یک چرخه معیوب می‌اندازد که می‌توان آن را به صورت زیر ترسیم نمود:

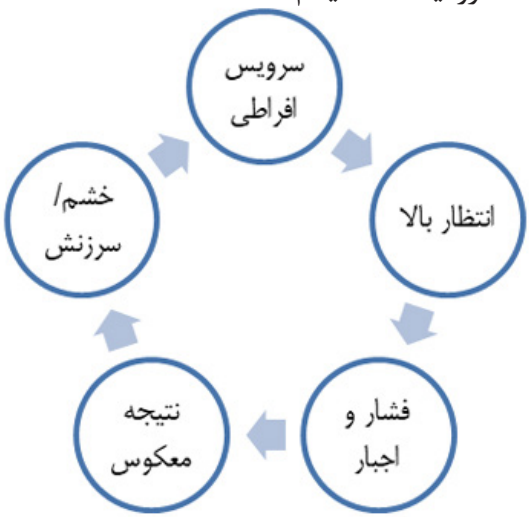

شکل ۱. چرخه معیوب خدمات افراطی و اجبار

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

۲- محور ساختار/ قانون

مبتنی بر داده‌های به دست آمده، ۳ مقوله انعطاف‌ناپذیری، ساختار متعادل و آشفتگی/ بی‌نظمی ذیل محور ساختار/ قانون قرار گرفتند.

الف: انعطاف‌ناپذیری: جدول ۵ ویژگی‌های مربوط به مقوله انعطاف‌ناپذیری را نشان‌می‌دهد:

جدول ۵. کدهای اولیه و ویژگی‌های مقوله انعطاف‌ناپذیری

کمال‌گرایی	باورهای خشک	اطاعت بی چون و چرا	وضع و اعمال در جای قوانین
توقع بالا	سیاه و سفید	قوانین سفت و سخت	عدم تناسب جرم و جزا

به جملات والدین در این زمینه توجه نمایید: "چرا دروغ بگم، تاپ بودن برام واقعاً مهمه، احساس میکنم از این طریق به اون هدف های دیگه اش هم میرسه(مادر ۳۸ ساله)". "هر اشتباهی بکنه از بیرون رفتن محروم میشه، اینو از اول گفتم (پدر ۴۱ ساله)". باید همه چی مرتب باشه، باید همه چی سرجاش باشه، به هم ریختگی رو تحمل نمیکنم(مادر ۵۰ ساله). "پسر من باید از لحاظ اخلاقی، رفتاری تو خونه یک جورایی مطیع باشه، این تقاضای منه شخصاً(مادر ۳۹ ساله)". "بچه باید رام باشه(پدر ۴۵ ساله)".

ب: مقوله ساختار متعادل/ انعطاف: جدول ۶ کدهای مربوط به مفهوم ساختار متعادل/ انعطاف را نشان می‌دهد:

جدول ۶. کدهای مربوط به مقوله ساختار متعادل/ انعطاف

انتظار در حد توان	آموزش قوانین	برنامه‌ریزي و چهارچوب	توجه به سن کودک در وضع قوانین
انتقادپذیری	انعطاف در وضع قانون	اطلاعات طبقه‌بندی شده	شناخت و ارتباط با دوستان فرزند
تناسب جرم و جزا	ابلاغ صریح قوانین	آشنایی با خانواده دوستان	وضع قوانین شفاف و قابل فهم
توجه به تفاوت نسلی	وفای به عهد	راهنمایی و آگاهی دادن	قوانین استفاده از رسانه/فضای مجازی
نظم	پاسخگویی به سوالات	بیان عواقب پیروی نکردن	

وضع قوانین و حد و مرزهای شفاف و قابل فهم از کلید واژه‌های اصلی این مفهوم است، پدر ۴۰ ساله‌ای در مورد وضع قوانین چنین می‌گوید: "ما در خونه مثل مجلس دور هم جمع میشیم و قانون میذاریم، برای بچه ها در مورد آمد و رفت و ساعت خواب و اینترنت و ... برای بزرگترها در مورد وقت گذروندن با بچه ها و ...". آموزش قوانین، پاسخگویی به سوالات، راهنمایی فرزندان و بیان پیامدهای عدول از قوانین نیز از ویژگی‌های این مفهوم است. والدین در این زمینه چنین گفته‌اند: "پسرم اگه سوالی یا مشکلی داشته باشه اولین نفری که میگه منم، معمولا سعی میکنم در اولین فرصت یا همون موقع براش وقت بذارم و جواب بدم، اگه نتونم میگم الان وقت ندارم یا اگه ندونم میگم از بابات بپرس(مادر ۴۳ ساله)". انعطاف در وضع قوانین و انتقادپذیری هم از اجزای دیگر ساختار متعادل است: "بعض موقع‌ها بچه‌ها اعتراض می‌کنن، پیش اومده یه موقه هایی قانع شدیم و قانون رو تغییر دادیم(پدر ۴۳ ساله)".

ج: مقوله آشفتگی/ بی‌نظمی: جدول ۷ کدهای مربوط به مفهوم آشفتگی/ بی‌نظمی را نشان می دهد:

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.91] Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.8]
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]
Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019

جدول ۷. کدهای مربوط به مقوله آشفتگی/ بی‌نظمی

بی نظمی	اجبار / اهمال متناوب	فقدان قانون	قوی باش، اما نه در برابر من
تنبیه ناگهانی و بدون توضیح	غیر قابل پیش‌بینی بودن	قوانین ناقص	اهمال دینی / اجبار تحصیلی
		دو گانگی در رفتار	اجبار دینی / اهمال سایر حوزه‌ها

فقدان قانون یا قوانین ناقص، مبهم و غیر الزام‌آور از ویژگی‌های بارز مفهوم آشفتگی/ بی‌نظمی است. به جملات زیر توجه نمایید: قانون مند نیستم. نه اینجوری نیستم. میتونه خودش هر کاری خواست بکنه، خودش باید برنامه‌ریزی بکنه (پدر ۴۵ ساله). خونه ما قانون خاصی نداره(مادر ۳۷ ساله). بچه‌های من، چون خودم شاغل بودم و خونه نبودم، خیلی مستقل بزرگ شدن (مادر ۴۲ ساله). از نظم و انضباط نگین آقای دکتر، افتضاح افتضاح (مادر ۳۷ ساله). غیر قابل پیش‌بینی بودن، تغییر سریع قوانین، تنبیه ناگهانی و بدون توضیح از دیگر ویژگی‌های اصلی آشفتگی است. جملات زیر که از زبان فرزندان نقل شده است نشان‌دهنده این مولفه است: "توی خونه ما هیچ چیزی قابل پیش بینی نیست، اتفاقات غیر مترقبه زیاد می افتد، اینکه میگن جنگل مولا مصداق خونه مائه. ۲۰ ساله ندونستم فاز بابام چیه، برای یه کاری یه روز میگه اشکالی نداره فردا تنبیه میکنه یک هفته کویته یهو میشه زیمبابوه"(فرزند ۲۰ ساله). "بدون هیچ توضیحی یهو یه کشیده میخوابونه تو گوشت، بعد میفهمی که مثلا مامانم بهش گفته فلانی شلوغ کرده" (پسر ۱۷ ساله).

۳- محور خودمختاری/ آزادی

الف: اجبار: جدول ۸ کدهای مربوط به مفهوم اجبار را نشان می‌دهد:

جدول ۸. کدهای مربوط به مقوله اجبار

القای اهداف نرسیده خود به فرزندان	نصیحت و تذکر بی‌وقفه	ایجاد احساس گناه
جوارجویی / مراقبت افراطی	هدایت اجباری	القای غیرمستقیم خواسته‌ها
چک کردن پنهانی کیف و گوشی	نگرانی افراطی	قانع سازی اجباری
انتظار و تقویت رفتارهای بزرگتر از سن	سرکوب احساسات	محدودیت شدید
بحث خیلی زیاد با فرزند: جنگ قدرت	وضع و اعمال در جای قوانین	خفه کردن با فوق برنامه
سرمایه گذاری زیاد برای تحصیلات	وعده / تطمیع	مقابله به مثل
خدمات مشروط به اقامه فرائض	دستور زیاد/ اعمال فشار	تحریم کامل
تهدید شدید/ ارعاب	سخت‌گیری	اطاعت بی چون و چرا
تهدید: چغولی به پدر	فقدان آزادی عمل	ترساندن
فشار افراطی برای مناسک دینی	کنترل نامحسوس	همه‌کار توانی: من باید بتوانم

جملاتی از والدین که نشانگر اجبار است: "اینکه بره با دوستش بگرده نیست با خودم باشه راحت‌ترم" (پدر ۴۵ ساله). مادر ۴۱ ساله می‌گوید: "فکر میکنم دارم به بچه‌هام آسیب میزنم، مدام نگران و گوش بزنگم، خیلی چک می‌کنم، گیر میدم، ازشون توقع زیادی دارم، بحث میکنم و مخصوصا با پسرم که ۲۰ سالشه درگیر میشیم، خودم هم از این موضوع راضی نیستم اما دست خودم نیست". "اگه منو دوست داری باید به حرفم گوش بدی، گوش نمی‌دی یعنی دوسم نداری"(مادر ۴۵ ساله). "خدایی خیلی خوبن، بگم آب رو نخور نمی‌خورن، یا می‌زارمشون خونه میرم بیرون میگم به چیزی دست نزنین حتی می‌خوان از یخچال چیزی بردارن زنگ می‌زنن مامان اجازه می‌دی ما فلان کار رو انجام بدیم یا نه" (مادر ۳۸ ساله، سه پسر ۱۷، ۱۴ و ۷ دارد). "سعی می‌کردیم برای لباس

خریدنش خودمون بریم، میگفت آخرش همون چیزی که شما میخواین میشه، نمیذارین اون چیزی که من میخوام بخرم، از بچگی چون خودم لباساش رو می خریدم تنهایی الان نمیتونه بره خرید. گاهی اوقات بهش پیشنهاد میدم برو، احساس میکنم نمی‌تونه بلد نیست، باز مجبور می‌شم خودم باهاش برم اون چیزی میشه که من خودم می‌خوام خرید کنه"(مادر ۳۹ ساله).

ب: مقوله حمایت از خودمختاری/ قاطعیت

جدول ۹ کدهای مربوط به مقوله حمایت از خودمختاری/ قاطعیت را نشان می‌دهد:

جدول ۹. مقوله حمایت از خودمختاری/ قاطعیت و کدهای مربوط به آن

انعطاف در اجرای قانون	تعویض نقش	ارضا/ محرومیت بهینه	ترجیح انگیزه درونی به بیرونی
رعایت حریم خصوصی فرزند	امتیاز دادن بهینه	تنبیه بهینه	تشویق و دعوت مستدل برای فرائض دینی
نظارت روی دوستیابی فرزند	اخم / اجتناب موقت	کنترل متعادل	تشویق و دعوت برای تحقیق در دین
احترام به نظرات فرزندان	راهنمایی در حد لازم	نظارت مستمر	ایستادن در برابر خواسته‌های نامعقول
راهنمایی با تفویض اختیار	آزادی عمل بهینه	تلنگر، عبرت‌آموزی	تذکر دادن/ یاداوری کردن قوانین
قاطعیت در اجرای قوانین	دموکراسی / عدالت	احترام به علاقه فرزند	در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی فرزندان
توضیح علت خشم و تنبیه	انتقادپذیری/ آزادی بیان	اعتماد به فرزند	حمایت از استقلال طلبی فرزند
اتمام حجت	نظارت بهینه	مسئولیت و حمایت توامان	دادن حق انتخاب / احترام به انتخاب فرزند
تناسب جزا با جرم	نظم و انضباط	انتظار به اندازه توان	دادن مسئولیت به خود فرزند

به جملات والدین در این زمینه توجه نمایید: "انتظار دارم تا او نجایی که در توانش هست تلاش کنه اگه خودش علاقه نداشته باشه فایده ای نداره که، نمیشه زورش کنم بگم تا اینجا باید بخونی" (مادر ۵۰ ساله). "دوست دارم فکر کنه خانواده اش چه جور اعتقادی دارند دیگران چه جور، اونیکه خودش دوست داره رو انتخاب کنه" (مادر ۵۰ ساله). "... اونجوری هم نیستش که اون آرزوهای من رو بچه هام بهش برسن، بالاخره انسانه، هر مدلی که خودش دوست داره"(مادر ۳۹ ساله). "سعی می‌کنیم خواسته‌های اون‌ها بیشتر باشه تا خودمون مثلاً اگه مسافرتی بخوایم بریم نظر اون‌ها بیشتر مهمه که کجا بریم، اگه برای خرید چیزی باشه، ازشون مشورت میخوایم اگه وسیله نقلیه‌ای بخوایم بخریم چی بیشتر دوست دارن، یا لباسشون خودشون تصمیم می‌گیرن برای خریدش"(مادر ۴۱ ساله). "من آدمی نیستم که اهل چک کردن پنهانی باشم. بخاطر اینکه میگم هر کسی حریم شخصی داره، بچه‌های الان، کار قشنگی نیست که من بخوام سر گوشی برم گوشیشون رو چک کنم"(مادر ۴۰ ساله). نظارت مستمر و متعادل در حوزه‌های مختلف تحصیلی، ارتباطی، خانوادگی و دینی به همراه تذکر، تلنگر، عبرت‌آموزی، تعویض نقش و اتمام حجت از دیگر ویژگی‌های والدین قاطع است. به جملات زیر توجه نمایید: "یک سری مراقبتها و نظارتهایی داریم، تو فضای مجازی چه کار میکنه، کجا میره با کی میره، درسش در چه اوضاعیه و از این مسایل. خودش هم میدونه که تو این زمینه ها باید پاسخگو باشه، اما بهش گفتیم که حق داره با دوستای مورد تایید خانواده رفت و آمد کنه، مشکلی نیست، گوشی داشته باشه ولی با نظارت ما مثلا خودش اینترنت نداره و در حد محدود از اینترنت من یا پدرش استفاده میکنه"(مادر ۴۱ ساله).

ج: مقوله اهمال/ انفعال: جدول ۱۰ کدهای مربوط به مقوله اهمال/ انفعال را نشان می‌دهد:

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

جدول ۱۰. کدهای مربوط به مقوله اهمال/ انفعال

بی تفاوتی	اعتماد ساده‌لوحانه	سرکوب احساسات خود
عدم توجه به روابط فرزند	اهمال بعد از اجبار	عدم اجرای درست قانون/ فقدان جدیت
عدم توجه به رفت و آمد فرزند	فقدان نظارت	تسلط عضوی به جز والدین در خانه/
حضور ناکافی در خانه	کناره‌گیری/ رها کردن	فرزندسالاری
مسئولیت‌ناپذیری	کوتاه آمدن	

بی‌تفاوتی و خنثی بودن در خانواده و عدم توجه به آنچه در پیرامون او می‌گذرد، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های اهمال/ انفعال است. آقای ۲۰ ساله می‌گوید "پدر من کسی هستش که وقتی کار خوبی می‌کنی نمیبینه، وقتی کار بدی هم میکنی باز هم نمیبینه، یه موجود بی تفاوتیه که همینجوری تو خونه هستش. همه چی روی دوش مادرمه". حضور ناکافی در خانه و تک‌بعدی بودن از دیگر مصادیق والدین اهمال‌کار است: "من خیلی نبودم آقای دکتر همه چی دست خانمم بود، وظیفه من پول دراوردن بود، الان هم خیلی با من کاری ندارن"(پدر ۵۴ ساله). مسئولیت‌ناپذیری از دیگر ویژگی‌های والدین اهمالکار است. به جمله مادر ۲۹ ساله‌ای توجه نمایید: "واقعا مسئولیت پسرم برام عذاب‌آوره، یه بار خیلی سنگین که نمیتونم اونو بکشم، از ۷ صبح تا پنج بعد ازظهر میذارمش دو شیفت مهد و از ساعت هفت هم میسپرمش به شوهرم خودم حوصله ندارم".

در این پژوهش سعی شد جنبه‌های مثبت و منفی یا سالم و نابهنجار فرزندپروری والدین مسلمان ایرانی مورد مطالعه قرار بگیرد. در این بخش یک آمار کمی از فراوانی کدهای استخراج شده ارایه شده که تا حدی وضعیت موجود فرزندپروری در والدین مورد مطالعه را به نمایش می‌گذارد.

جدول ۱۱. رتبه‌بندی مفاهیم روش‌های فرزندپروری از نظر میزان فراوانی

مقولات	تعداد کدها	مجموع فراونی کدها	نسبت
خدمات افراطی	۹	۱۱۵	۱۲/۷۸
انعطاف‌ناپذیری/ خشکی	۸	۸۵	۱۰/۶۳
اجبار	۳۰	۲۴۵	۸/۱۷
ساختار متعادل/ انعطاف	۱۹	۱۵۹	۷/۹۵
محبت/ حمایت	۵۳	۳۸۰	۷/۱۷
حمایت از خودمختاری/ قاطعیت	۳۶	۲۴۶	۶/۸۳
طرد	۳۶	۲۴۲	۶/۷۲
اهمال/ انفعال	۱۳	۶۲	۴/۷۷
آشفتگی/ بی‌نظمی	۱۰	۴۵	۴/۵۰

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر این بود که با طراحي یک پژوهش کیفی به استخراج مولفه‌ها و جنبه‌های سلامت و آسیب‌زای فرزندپروري در فرهنگ والدین مسلمان ایراني پرداخته و یافته‌های خود را با نظریات شناخته شده در این حوزه تطبیق دهد. در یک نگاه کلی می‌توان اینگونه عنوان کرد که پژوهش حاضر توانسته است دو گام اساسی را در این زمینه بردارد؛ نخست اینکه برای اولین بار به اکتشاف و استخراج مولفه‌ها و الگوهای فرزندپروری والدین ایرانی و میزان شیوع این الگوها پرداخته است؛ و دوم اینکه تغییراتی در ساختار نظریه‌های پیشین فرزندپروری ایجاد کرده و در پهنه نظری، گامی رو به جلو برداشته است.

در پهنه نظری، در مقایسه با نظریه فرزندپروری بامریند، پژوهش حاضر ابعاد جدیدی از این مفهوم را نشان داده و شکل گسترده‌تر و کاملتری را به نمایش می‌گذارد؛ دو محور اصلی در نظریه بامریند

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

(۳) به سه محور اصلی گسترش پیدا کرده و بر اساس ترکیب‌های مختلف مفاهیم نه‌گانه، تعداد سبک‌های فرزندپروری می‌تواند بسیار بیشتر از سه سبک مطرح شده در نظریه بامریند باشد. به عبارت بهتر ترکیب‌های مختلف می‌تواندنوع خاصی از فرزندپروری را به نمایش بگذارد. به عنوان مثال ترکیب سه مولفه محبت/حمایت، ساختار متعادل و حمایت از خودمختاری یک سبک سالم را شکل می‌دهند، ترکیب طرد، انعطاف‌ناپذیری و اجبار را می‌توان سبک استبداد سخت نامید؛ ترکیب خدمات افراطی، انعطاف‌ناپذیری و اجبار را می‌توان سبک استبداد نرم نامید؛ ترکیب خدمات افراطی، آشفتگی و اهمال را می‌توان سبک سهل‌گیر نامید؛ ترکیب طرد، آشفتگی و اهمال را می‌توان سبک آشفته نامید. از سوی دیگر یک والد می‌تواند در حوزه‌های مختلف تربیت سبک متفاوتی داشته باشد، به عنوان مثال در والدین ایرانی مشاهده شد که برخی از والدین در زمینه تحصیلی مستبد و در زمینه دینی اهمال‌کار هستند و یا برعکس در زمینه دینی مستبد و در سایر حوزه‌ها اهمال‌کار می‌شوند. سه محور اصلی مستخرج در پژوهش حاضر با مولفه‌های گرمی، انتظار و حمایت از خودمختاری مطرح شده در پژوهش دومنک‌رودریگز، دونوویچ و کراولي (۱۰) همپوشانی دارد، با این تفاوت که پژوهش فوق نگاهی دو قطبی به هر مولفه دارد(بالا / پایین) در حالی که در پژوهش حاضر برای هر محور سه مفهوم جداگانه استخراج شده است، در واقع طرد و خدمات افراطی دو قطب بالا و پایین گرمی نیستند و هر کدام مفاهیم مستقلی به شمار می‌روند. به علاوه مفهوم مستقل دیگری تحت عنوان محبت/ حمایت به این محور اضافه شده است.

همسو با نظر و یافته‌های اسکینر و همکارن(۱۱)، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر نیز به نظر می‌رسد، نگاه دو بعدی یا دو قطبی گرمی- طرد، آشفتگی-ساختار و اجبار-حمایت از خودمختاری نمی‌تواند تصویر روشنی از فرزندپروری ارایه دهد. از سوی دیگر شش مولفه مستخرج در پژوهش اسکینر و همکارن(۱۱) به ۹ مولفه در پژوهش حاضر افزایش یافته و هر سه مولفه حول یک محور کلی گرد هم آمده است، به این ترتیب که مولفه میانی ترسیم‌کننده یک حالت سالم است و دو مولفه کرانه‌ای حاکی از ابعاد آسیب‌شناختی آن محور به شمار می‌روند، به عنوان مثال محبت حالت سالم محور صمیمیت است و طرد در یک کرانه و خدمات افراطی در کرانه دیگر نشان دهنده دو حالت آسیب‌شناسانه هستند. لازم به ذکر است که الگوی استخراج شده قرابتی تنگاتنگ با نگاه میانه‌رو اسلام در خصوص رفتارهای انسانی دارد، به این معنی که سبک سالم سبکی است میان دو حالت افراطی و تفریطی مجموعه‌ای از رفتارها.بخش را با بحث در خصوص یافته‌های توصیفی پژوهش در خصوص شایع‌ترین سبک‌های فرزندپروری موجود در خانواده‌های ایرانی پی می‌گیریم. همانگونه که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، سه مقوله خدمات افراطی در محور صمیمیت/حمایت، انعطاف‌ناپذیری در محور قانون/ساختار و شکل خاصی از اجبار در محور اجرای قوانین عناصر اصلی فرزندپروری در والدین ایرانی شناسایی شدند. اگر نگاه دقیق‌تری به ویژگی‌های هر محور بیاندازیم، متوجه می‌شویم که بخش قابل توجهی از والدین مورد مطالعه چنین ویژگی‌هایی را دارند: مسئولیت‌پذیری افراطی، خدمات و ارضای افراطی نیازهای فرزندان، ندادن مسئولیت به فرزندان، جبران محرومیت‌های گذشته خود برای فرزندان بدون توجه به علایق شخصی آنها، باورهای کمالگرایانه نامنعطف، قوانین سفت

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

و سخت، توقعات بالا و تلاش شدید برای هدایت اجباری فرزندان در مسیرهای دلخواه خود(مسیرهایی که باور دارند حتما به نفع فرزندان است). توصیف این دسته از والدین مفهوم استبداد را به ذهن متبادر می‌کند، ولی این دسته از والدین یک تفاوت اساسی با تعریف کلاسیک سبک استبدادی دارند، و آن اینکه در سبک کلاسیک استبدادی انعطاف‌ناپذیری و اجبار در کنار مفهوم طرد قرار گرفته و با هم این سازه را شکل می‌دهند، در حالی که در اینجا ما با خدمات افراطی والدین روبرو هستیم. از سوی دیگر اجبار اعمال شده از سوی این والدین متفاوت از اجبار اعمال شده از سوی والدین مستبد طردکننده است، به عبارت بهتر این والدین بشتر از راهبردهای اجباری منطقی استفاده کرده و در اصطلاح عامیانه با پنبه سر می‌برند، آنچنانکه فرزندان این والدین می‌گویند: "ما اجازه حرف زدن داریم اما د رنهایت همانی می‌شود که پدرم/مادرم می‌گوید". بر این اساس در پژوهش حاضر مفهوم استبداد را به دو گونه تقسیم کردیم؛ استبداد سخت که با مفهوم کلاسیک استبداد در ادبیات فرزندپروری تطابق دارد و مفهوم استبداد نرم که در پژوهش حاضر به دلیل اضافه شدن مفهوم خدمات افراطی به مفاهیم قبلی فرزندپروری، نمایان شده است.

شرط رفاقت در استبداد، اطاعت و سازگاری است، در واقع این والدین بیشتر دنبال فرزندان سازگار، حرف‌گوش کن و مطیع هستند تا فرزندان خودمختار. نتایج پژوهشی در این زمینه نشان داد که والدین ایرانی، بیشتر یک فرزند سازگار می‌خواهند، چرا که کدهای مربوط به سازگاری و اطاعت و قانون‌پذیری به طور محسوسی بالاتر از کدهای مربوط به خودشناسی و خودمختاری است(۲۱). پژوهش دیگری در این زمینه نشان داد، مادرهايي که خودمختاري برايشان ارزش است، وقتي بچه‌هايشان به کشف و جستجو در محيط مي پردازند، کمتر آنها را محدود مي‌کنند؛ در مقابل مادراني که مي خواهند سازگاري را به بچه هايشان القا کنند، به شدت آنها را محدود مي‌کنند. همچنين، والديني که گرايش‌هاي سازگارانه دارند در رفتار فرزندپروري خود بيشتر محدودکننده و کمتر حمايت کننده هستند(خودمختاری در برابر سازگاری: در اهداف کاملا مشخص است که)(۲۲).

در پژوهش حاضر اشکال مختلفی از استبداد نرم مشاهده شد که در اینجا به آن پرداخته می‌شود؛ نوع اول: همراه با خدمات رفتاری است، همه امکانات فراهم می‌شود ولی چهارچوب‌های خیلی سختی بدون در نظر گرفتن علاقه و خواسته فرزند در نظر گرفته میشود و با اجبار زیادی همراه است؛ نوع دوم: ظاهر این سبک بسیار شبیه محبت است ولی در عمل با آن فاصله زیادی دارد، لحن کلام والدین در این سبک بسیار ملایم است ولی چهارچوب‌های انعطاف‌ناپذیر و اجبار در رسیدن به اهداف مد نظر والدین هویدا است. نوع سوم: در نوع دیگری از این سبک ما شاهد این هستیم که والدین به صورت مستقیم با فرزند خود وارد چالش نمی‌شوند بلکه خواسته‌های خود را از طریق انتقاد یا تمجید از رفتارهای دیگران پیش می‌برند، به عنوان مثال با تقبیه رفتارهای نوجوان‌های همسال فرزندشان رفتار دلخواه خود را القا می‌کنند.

یکی از نکات برجسته در این زمینه این بود که این والدین عمدتا در حوزه تحصیلی بسیار سخت‌گیر و مستبد بودند، یکی از نکات قابل توجهی که در حین مصاحبه‌ها متوجه شدم این بود که اغلب خانواده‌هایی که فرزندشان را در مدرسه غیرانتفاعی ثبت نام کرده بودند، مشکلات مالی داشتند ولی به خود فشار بیش از حدی وارد می‌کردند، چند برابر کار می‌کنند، از سایر امورات می‌زدند به نفع

[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.9] Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]

تحصیلات فرزند. فشار زیاد برای پیشرفت تحصیلی فرزند، تب کنکور و دانشگاه خوب چنان خانواده‌ها را در بر می‌گیرد که از سایر جنبه‌ها غافل می‌شوند، به جملات این مادر ۴۲ ساله توجه فرمایید: "من خیلی دوست داشتم کلاس کنکور بیاد به پدرش گفتم این اگه مدرسه دولتی بره کلاس کنکور که نداره صرفاً باید بره بیرون. پیگیر شدم دیدم وقتش اینجا تلف میشه، بره مدرسه باز بره کلاس کنکور تا بیاد خونه شبه، برای همین گفتم میزارمش غیر انتفاعی. بردمش دکتر معین پیگیر شدم گفتن خیلی مدرسه خوبیه خیلی بچه ها رو سخت گیری میکنه کنترل میکنه رفتم ثبت نامش کنم دوسه میلیون شهریه باید واریز میکردیم من تا اومدم این پولو جور کنم طول کشید برای هفته ی بعد دیگه پر شده بود، هر کاری کردم گفتن دیگه جا نداریم آوردمش اینجا، الان اومد گفت مامان دوازده منو ببر خسته میشم اصلاً نمیکشم نمیدونم چرا اینجوری شده، گرما اینجوریش کرده..." وی در ادامه مصاحبه می‌گوید: "چون خیلی دوست دارم پیمان آینده روشنی داشته باشه، مخصوصاً امسال سال کنکورشه، خیلی دلواپسم، میگم این مدرسه آوردمت بخاطر اینکه کلاس های کنکور داره، مشکل مالی بود ولی آوردمش."

آرزوهای براورده نشده خود والدین از یک سو، نگرانی‌ها و تب کنکور از یک سمت و سرمایه‌گذاری مالی از سمت دیگر باعث فشار زیادی بر فرزندان می‌شود تا انتظارات والدین را براورده کنند. همین مادر در جایی از مصاحبه می‌گوید: خیلی دوست داشتم درس بخونم اما نشد، الان برای بچه‌ها خیلی تلاش می‌کنم. وی تلاش خود را اینگونه توصیف می‌کند: خیلی فشار میارم، الان این مدرسه به زور اومد دوست داشت مدرسه دولتی بره چونکه یازده دوازده سال اونجا خونده میگفت میخوام همونجا بمونم، پیمان تا پیارسال معدلش ۱۹/۵ بود پارسال شد ۱۷/۵، ترم اول ۱۹/۱۶، ترم آخر پنج شیش نمره اومد پایین نمیدونم از کجا لطمه خورد فکر کنم علت اصلیش گوشی بود. کنارش درس کار میکنم، رشته من ریاضی نبود، پسرم ریاضی میخونه، بالاخره تا حدی بلدم که سوال جواب کنم، جواباشو با جزوه مقایسه کنم، کتابهایی میخریدم نمونه سوالای خوبش رو پیدا میکردم بهش میدادم این کارها رو خیلی انجام میدم هم برای دخترم هم برای پسرم که خداروشکر دخترم وارد دانشگاه شد و ترم پنجه پیمان خیلی دلهره دارم براش، سر همین مشکل پسرم با شوهرم همیشه بحث داریم سر این همش بحثه، میگه میام خونه اینجا مثل مدرسه هستش همش جیغ داد انگار تو معلمی اینا دانش آموزن، این مشکلات و متاسفانه داریم.

ساختار دومی که در جدول شماره ۱۱ مشخص است سه مفهوم مرتبط ساختار متعادل از محور قانون، محبت/حمایت از محور صمیمیت و حمایت از خودمختاری از محور خودمختاری/آزادی عمل است. قریب به اتفاق نظریه‌های مرتبط با فرزندپروری، اساس مراقبت و تربیت را عشق و محبت دانسته‌اند (۲۳، ۲۴، ۱۱). عشق، محبت و حمایت عاطفی والدین برای تجارب حس تعلق کودک ضروری است. در ادبیات روانشناسی از این اصل به عنوان "گرمی" یاد می‌شود که اغلب در برابر طرد قرار می‌گیرد. گرمی مهم¬ترین جنبه¬ی مراقبت است که تقریباً در تمامی مفهوم¬پردازی¬های مرتبط با فرزندپروری به چشم می¬خورد. گرمی که اغلب پذیرش نیز نامیده می¬شود به ابراز عاطفه، عشق، قدردانی، محبت و توجه مربوط بوده و دسترس¬پذیری عاطفی، حمایت، و مراقبت واقعی و حقیقی را شامل می¬شود(۲۳، ۲۴). در ادبیات روانشناسی فرزندپروری از این سه مولفه تحت عنوان فرزندپروری مقتدرانه

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

یاد می‌شود با این تفاوت که در نظریه بامریند و سایر نظریه‌های مربوط به فرزندپروری (۱۱؛ ۱۰) حد بالای مفاهیم مثبت مانند پاسخدهی و کنترل بالا سبک مقتدرانه را تشکیل می‌دهد در حالی که در پژوهش حاضر حد تعادل سه مفهوم نشانگر یک سبک سالم فرزندپروری است. در این پژوهش برای ترکیب این سه مفهوم، عنوان "فرزندپروری حمایتی" یا فرزندپروری مسئولانه انتخاب گردید.

والدین صمیمی و حمایت‌گر در رتبه دوم بررسی‌های کمی اولیه قرار گرفته‌اند، یافته‌های پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های پیشین (۱۱) نشان می‌دهد که یکی از مولفه‌های اساسی فرزندپروری محبت و حمایت عاطفی است که بیشترین کدها(۵۳ کد) را به خود اختصاص داده است. عنوان محبت/ حمایت از این جهت به جای گرمی انتخاب شد که در ادبیات ایران مفاهیم ملموس‌تری هستند و ویژگی‌های بیشتری را در ذهن مخاطب متبادر می‌کنند.

از دل کدهای مربوط به مفهوم محبت/ حمایت می‌توان چند زیرمفهوم استخراج نمود: ۱) یکی از ویژگی‌های اصلی والدین صمیمی، توان تنظیم هیجان در خود و فرزند خویش است؛ شناخت فرزند، بیان کلمات محبت‌آمیز، بغل کردن، بوسیدن، نوازش، پذیرش، گوش دادن بدون قضاوت و سرزنش، توجه به احساسات منفی فرزند، بیان احساسات مثبت و منفی به فرزند، تنظیم اضطراب، همدلی کردن و دلگرمی دادن، ترجیح مذاکره به داد و بیداد، خویشتن‌داری در برابر تنبیه بدنی، خونسردی و آرامش در حوادث، انتقادپذیری و عذرخواهی در قبال اشتباهات از جمله کدهایی است که تنظیم هیجان در فرزندان را موجب می‌گردد. ۲) حمایت که دو بعد عاطفی و مادی دارد از دیگر زیرمفاهیم این بخش است؛ اختصاص وقت برای فرزند، آموزش مهارت‌ها، فراهم کردن خواسته‌های معقول، فراهم کردن امکانات مورد نیاز، توجه به تفریح فرزند، تقویت متناسب با علاقه فرزند، فداکاری، خدمت بدون منت و ارضا/ محرومیت بهینه از کدهای این زیرمفهوم است. ۳) ایجاد انگیزه درونی از دیگر زیرمفاهیمی است که می‌توان در این کدها مشاهده نمود؛ قدردانی، تشویق و تحسین بهینه، ایجاد علایق دینی در فرزند، تلنگر، ترغیب و نصیحت دوستانه، دلگرمی و همدلی، اعتماد به فرزند، تقویت متناسب با علاقه فرزند و وفای به عهد از جمله این کدها هستند. ۴) بخشش از زیرمفاهیم دیگری است که می‌توان از کدها استخراج نمود؛ بخشیدن، کوتاه آمدن به‌جا، زود راضی شدن(انعطاف) و فرصت دادن برای اصلاح. بر اساس یافته‌های پژوهش، ابراز محبت و حمایت از نظر والدین ایرانی را می‌توان در چند مقوله خلاصه نمود: ۱) کلامی: عزیزم، جانم، عشقم، گلم، قربونت برم، فدات بشم، درد دل کردن، گپ زدن، تعریف و تمجید، تشکر که رتبه چهارم را دارد؛ ۲) لمسی: بغل، بوس، غلطیدن، لولیدن، کشتی، اسب شدن، نوازش کردن که رتبه پنجم را دارد؛ ۳) ابزاری: خرید چیزهای مورد علاقه، جایزه و خدمات دادن (آسیبشناسی شود بر اساس حساسیت، در دسترس بودن و پاسخگو بودن) که رتبه اول را دارد؛ ۴) رفتاری / حرکتی: پارک، کوه، دوچرخه سواری، دست تکان دادن، چشمک زدن و ....

بعد دیگر فرزندپروری مسئولانه ساختارمتعادل و قوانین واضح و مشخص است. بر اساس کدهای استخراج شده، ساختار متعادل را می‌توان در چند بند تعریف نمود؛ ۱) تعیین انتظارات و توقعات مشخص والدین در مورد رفتارهای فرزندان؛ ۲) تعیین حد و مرزهای صحیح و نسبتا با ثبات و متناسب با سن و جنسیت فرزندان؛ ۳) آموزش صحیح قوانین

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

و پاسخگویی به سوالات و ابهامات فرزندان؛ ۴) انتقادپذیری و انعطاف؛ ۵) توجه به روابط بیرون فرزند و قوانین مربوط به آن نیز از موارد دیگر در این زمینه است، والدین متعادل با دوستان و خانواده دوستان فرزند خود ارتباط گرفته و بعد از شناخت آنها، حد و مرزهای لازم را ترسیم می‌کنند.

بعد سوم فرزندپروری حمایتی یا مسئولانه حمایت از خودمختاری است که حد تعادل بین اجبار و انفعال است. در ادبیات فرزندپروری، حمایت از خودمختاری مفهومی فراتر از دادن آزادی انتخاب است و نشانگر تشویق کودک به اکتشاف، بررسی، و بیان دیدگاه‌ها، اهداف، و ترجیحات خود به صورت فعال است. یکی از ویژگی¬های اصلی حمایت از خودمختاری نوعی از تعاملات می¬باشد که در آن به کودک فرصت بیان دیدگاه¬ها و عقاید خود داده شده و دیدگاه‌ها و عقاید او در فرآیندهای برنامه¬ریزی¬ و حل مساله لحاظ می‌شود(۲۵، ۲۶، ۲۷).

در پژوهش حاضر، مفهوم حمایت از خودمختاری / قاطعیت، بر اساس عنوانی که برای آن انتخاب شده است، دو محور اصلی را در بر می‌گیرد؛ الف: حمایت از خودمختاری که با ویژگی‌های زیر شناخته می‌شود: ۱) ترجیح و تقویت انگیزه درونی در برابر انگیزه بیرونی؛ ۲) احترام به علاقمندی‌ها، نظرات، انتخاب‌ها و حریم خصوصی فرزند؛ ۳) اعتماد به فرزند و دادن آزادی بیان و عمل بهینه و تفویض اختیار و مسئولیت متناسب با تفاوت‌های فردی، توان و سن فرزندان؛ ۴) راهنمایی‌های مورد نیاز و تشویق و حمایت فرزند در راستای خودمختاری و تحقیق و مطالعه در حوزه ارزش‌ها و مناسک دینی؛ ۵) انتقادپذیری، دموکراسی، عدالت و پرهیز از تبعیض. ب: قاطعیت که دارای مولفه‌های زیر است: ۱) نظم و انضباط؛ ۲) قاطعیت و انعطاف توامان در اجرای قوانین مورد توافق خانواده، ارضای بهینه، ایستادگی در برابر خواسته‌های نامعقول و دادن امتیازات معقول؛ ۳) نظارت مستمر و متعادل در حوزه‌های مختلف تحصیلی، ارتباطی، خانوادگی و دینی به همراه تذکر، تلنگر، عبرت‌آموزی، تعویض نقش و اتمام حجت؛ ۴) محرومیت و تنبیه بهینه(مانند اخم/ اجتناب موقت، تناسب جزا با جرم) به همراه توضیح علت احساسات و رفتارها.

سومین ساختار فرزندپروری والدین ایرانی به ترکیب طرد، انعطاف‌ناپذیری و اجبار سخت و خشن مربوط می‌شود. می‌توان عنوان این ترکیب را "استبداد سخت" نامید. تفاوت عمده استبداد سخت و نرم در رفتار والدین ایرانی برمی‌گردد به طرد و اجبار سخت، در واقع در محور صمیمیت به جای خدمات افراطی شاهد طرد هستیم و در محور آزادی عمل/ خودمختاری شاهد نوعی خشن از اجبار هستیم که توام با پرخاش کلامی و فیزیکی است. می‌توان دو نوع از استبداد سخت را در والدین ایرانی تشخیص داد؛ ۱) بسیار خشن، خشک و کوبنده است و هیچ انعطافی ندارد، تنبیه بدنی سخت، توهین، تحقیر، تحکم و اجبار سخت از ویژگی‌های بارز این نوع استبداد است.

کمترین فراوانی مشاهده شده مربوط است به یک سبک اهمال‌کار یا سهل‌انگار، مولفه‌های اهمال/ انفعال را می‌توان اینگونه خلاصه نمود: ۱) خانه قانون دارد ولی یکی از والدین یا هر دوی آنها در اجرا و اعمال قوانین قاطع نیستند؛ ۲) والدین با کوچکترین چالش و فشاری کوتاه می‌آیند؛ ۳) والدین با کوچکترین چالش و فشاری رها کرده و از صحنه دور می‌شوند، به عبارت دیگر با مساله درگیر نشده و صورت مساله را با اجتناب پاک می‌کنند؛ ۴) حضور یکی از والدین یا هر دوی آنها به اندازه‌ای کمرنگ است که فرزندان احساس رها شدگی و آشفتگی می‌کنند؛ ۵) قوانین نصفه و نیمه

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]

اجرا می‌شود، مدتی اجرا می‌شود، رها می‌شود و دوباره از سر گرفته می‌شود؛ ۶) مدیریت خانه از دست والدین خارج شده و دست برادر یا خواهر بزرگتر می‌افتد.

محدودیت‌های جدی در مسیر اجرای پژوهش حاضر را می‌توان در دو محور خلاصه کرد، نخست محدودیت‌های بودجه‌ای؛ با توجه به اینکه تمام هزینه‌های پژوهش توسط خود پژوهشگر تامین می‌شد، محدودیت‌هایی در تامین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای گسترده‌تر پژوهش وجود داشت و دوم سخت‌گیری آموزش و پرورش برای ورود به دبیرستان‌های دخترانه و دعوت از والدین برای مصاحبه بود.

پژوهش حاضر را می‌توان نخستین گام از سلسله پژوهش‌هایی دانست که می‌تواند در حوزه فرزندپروری خانواده‌های ایرانی صورت پذیرد. ایده‌های زیر می‌تواند در پژوهش‌های آتی مد نظر قرار گیرد: گستردگی دامنه پژوهش حاضر، امکان بررسی عمیق‌تر برخی از حوزه‌ها(مانند تنظیم هیجان فرزندان) را محدود نمود، هر کدام از یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در پژوهش‌های آتی به شکلی عمیق‌تر مورد کاوش و مطالعه قرار گیرد؛ داده‌های پژوهش حاضر می‌تواند مبنایی باشد برای تدوین یک ابزار بومی مناسب در حوزه فرزندپروری؛ مقایسه فرزندپروری والدین نسل‌های مختلف می‌تواند سیر تحولی فرزندپروری در بین نسل‌ها را اشکار سازد؛ مطالعه تطبیقی فرزندپروری در بین اقوام ایرانی نیز از دیگر پیشنهادهای پژوهش حاضر است.

تقدیر و تشکر

به این وسیله از آقای دکتر یزدان منصوریان و آقای فرهاد جوکار که یاریگر بخش کیفی پژوهش بودند و همه والدینی که در پژوهش حاضر شرکت نمودند تقدیر و تشکر می‌شود.

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.8]
Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019

[DOI: 10.52547/rph.13.1.58] [DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.8] Downloaded from rph.khu.ac.ir at 13:51 IRDT on Wednesday September 11th 2019

References

1. Padmawidjaja Inna A, Chao, Ruth K. Parental Beliefs and Their Relation to the Parental Practices of Immigrant Chinese Americans and European Americans. In S T Russell, L J Crockett, R K Chao (Eds.), Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships. New York: Springer; 2010. 37-60.

2. Bates, DG, Fratkin, EM. Cultural Anthropology. New York: Allyn & Bacon, Inc; 2002.

3. Janbozorgi M, Nouri N, Agah Heris M. Morality, Social behavior and role acceptance training for children. Tehran: Arjmand pub; 2011. [Persian]

4. Carlson VJ, Harwood RL. Alternate Pathways to Competence: Culture and Early Attachment Relationships. In SM Johnson, VE Whiffen (Eds.), Attachment processes in couple and family therapy. New York: Guilford Press; 2003. 85-99.

5. Bornstein MH, Cheah CSL. (2006).The Place of "Culture and Parenting" in the Ecological Contextual Perspective on Developmental Science. In Rubin, K. (Ed.), Parental beliefs, parenting, and child development in cross-cultural perspective New York: Psychology Press; 2006. 3-33.

6. Harkness S, Super CM. Themes and variations: Parental ethnotheories in western cultures. In Rubin K. (Ed.), Parental beliefs, parenting, and child development in cross-cultural perspective. New York: Psychology Press; 2006. 61-79.

7. Crockett LJ, Veed GJ, Russell ST. Do Measures of Parenting Have the Same Meaning for European, Chinese, and Filipino American Adolescents? Tests of Measurement Equivalence. In ST Russell, LJ Crockett, RK Chao (Eds.), Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships. New York: Springer; 2010. 17-35.

8. Chao RK. Beyond parental control and authoritarian parenting style: Understanding Chinese parenting through the cultural notion of training. Child Dev., 1994; 65, 1111–119.

9. Russell ST, Crockett LJ, Chao RK. Introduction: Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships. In ST Russell, LJ Crockett, RK Chao (Eds.), Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships. New York: Springer; 2010. 1-15.

10. DomenechRodrı´guez MM, Donovick MR, Crowley SL. Parenting Styles in a Cultural Context: Observations of "Protective Parenting" in First-Generation Latinos. Family Process, 2009; 2, 195-210.

11. Skinner EA, Johnson S, Snyder T. Six dimensions of parenting: a motivational model. Parent.: Sci. Pract., 2005; 5(2), 175-235.

12. Shiraev E B, Levy D A. Cross-cultural psychology: critical thinking and contemporary applications (4th ed.). New York: Allyn & Bacon; 2010.

13. Hofstede, G, Hofstede G J, Minkov M. Cultures and Organizations (3th ed.). New York: McGraw-Hill; 2010.

14. Julaieha S, Agha yousefi A R, Tarkhan M. The Role of mindfulness And Meta-parenting in parenting style and Parenting Stress. Knowledge & Research in Applied Psychology, 2018; 19, 1, 50-60. [Persian]

15. Eslami chehrazi Z, Ghorbani M, Aghaei A. The Prediction of Machiavellian beliefs of elementary students based on parenting styles. Knowledge & Research in Applied Psychology, 2018; 19, 2, 35-43. [Persian]

16. Haghani Khaveh A, Mousavi B, Zarei M, Hasani M R. Effect of self-forgiveness on parenting styles and positive and negative affect. Psychology and Religion, 2018; 3, 101-114. [Persian]

17. Asadi M. Successful parenting in Iranian mothers. PhD thesis in Counceling, Kharazmi University; 2016. [Persian]

18. Hooman H. Practical Guide to qualitative research. Tehran: Samt; 2006. [Persian]

19. Creswell J W. Qualitative inquiry and

research design: Choosing among five approaches. Thousand Oaks, CA: Sage Publications; 2007.
20. Strauss A, Corbin J. Basics of qualitative research techniques and procedures for developing grounded theory. London: Sage; 1998.
21. Ramezani V, Abdkhodaee M S, Tabibi Z, Aghamohammadian Sharbaf H R. Cognitive aspects of Iranian parent's parenting: A qualitative research. Journal of Cognitive Psychology, 2018; 6(3), 22-36. [Persian].
22. Gerris J R M, Deković M, Janssens, J M. The relationship between social class and childrearing behaviors: Parents' perspective taking and value orientations. J. Marriage Fam., 1997; 59(4), 834-847.
23. Bowlby J. Attachment and loss: Vol. 1. Attachment (2nd Ed.). New York: Basic Books; 1969.
24. Bowlby J. A secure base: Clinical applications of attachment theory. London: Routledge; 1988.
25. Deci E L, Ryan R M. Intrinsic motivation and self-determination in human behavior. New York: Plenum; 1985.
26. Grolnick W, Ryan R M. Parent styles associated with self-regulation and competence in school. J. Educ. Psychol., 1989; 81, 143-154.
27. Grolnick W, Ryan R M. Parental resources and the developing child in school. In M E Procidano & C B F Fisher (Eds.), Contemporary families: A handbook for school professionals. New York: Teachers College Press; 1992. 275–291.

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2026-10-28 at 13:31 IRDT on Wednesday September 11th 2019]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1398.13.1.3.1]
[DOI: 10.52547/rph.13.1.58]